**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه390 – 04/ 11/ 1399 روایت علی بن محمد القاسانی /اخبار /ادله /استصحاب**

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسات گذشته به بررسی حدیث اربعمائه پرداخته شد و در نهایت دلالت این حدیث بر استصحاب پذیرفته شد.

در این جلسه به بررسی روایت علی بن محمد القاسانی می پردازیم.

روایت دیگر در بحث استصحاب روایت علی بن محمد القاسانی است که در تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) ؛ ج‏4 ؛ ص159 وارد شده است:

محمد بن الحسن الصفار عن علي بن محمد القاساني قال: كتبت إليه و أنا بالمدينة عن اليوم الذي يشك فيه من شهر رمضان هل يصام أم لا فكتب ع اليقين لا يدخل فيه الشك صم‏ للرؤية و أفطر للرؤية.

## نحوۀ تعریب کاشان به قاسان

قاسان یا قاشان همان کاشان است چون کاف وقتی به عربی برگردانده می شود به قاف تبدیل می شود و علت این مطلب شباهت تلفظ این دو حرف در زمانهای گذشته می باشد یعنی با گفتن کاف توسط گوینده، شنونده قاف می شنیده و آن را بصورت قاف می نوشته و همینطور شین به سین تبدیل می شده و خیلی اوقات از این گونه تبدیلات رخ می داده است.

## بحث از وثاقت علی بن محمد القاسانی

مرحوم شیخ در فهرست او را ترجمه نکرده و نجاشی در کتابش او را عنوان کرده است و این گونه تعبیر می کند:

علي بن محمد بن شيرة القاساني‏

(القاشاني) أبو الحسن كان فقيها، مكثرا من الحديث، فاضلا، غمز عليه أحمد بن محمد بن عيسى، و ذكر أنه سمع منه مذاهب منكرة و ليس في كتبه ما يدل على ذلك. له كتاب التأديب، و هو كتاب الصلاة، و هو يوافق كتاب ابن خانبة، و فيه‏ زيادات في الحج، و كتاب الجامع في الفقه كبير. أخبرنا علي بن أحمد بن محمد بن طاهر قال: حدثنا محمد بن الحسن قال: حدثنا سعد عن علي بن محمد بن شيرة القاساني (القاشاني) بكتبه.[[1]](#footnote-1)

مرحوم شیخ در رجال ذیل اصحاب امام هادی علیه السلام دو نفر را عنوان کرده است یکی به نام علی بن شیره و فرموده :

علي بن شيرة، ثقة.[[2]](#footnote-2)

دیگری علی بن محمد القاسانی که فرموده:

علي بن محمد القاساني، ضعيف، أصبهاني، من ولد زياد مولى عبد الله بن عباس، من آل خالد بن الأزهر.[[3]](#footnote-3)

آیا این دو عنوان (ابن شیره و قاسانی) یکی است یا نه؟

علامه این دو را یک نفر می داند[[4]](#footnote-4) ولی مرحوم خوئی می فرماید[[5]](#footnote-5) وجهی برای اتحاد وجود ندارد چون نجاشی نوه شیره را توثیق کرده و شیخ فرزند شیره را توثیق کرده است.

حاج اقای والد می فرمایند کسی که با تعبیرات اصحاب آشنا باشد می فهمد که در مواردی که نام جد نامی نا متعارف است آن شخص به جدش نسبت داده می شود و نام پدرش حذف می شود مانند حسن بن علی بن فضال که فضال جد حسن است ولی با تعبیر ابن فضال از او یاد می شود یا حسین بن علی بن سینا که با عنوان ابن سینا از او یاد می شود یا ابن ولید یا محمد بن ولید که همان محمد بن حسین بن احمد بن ولید است؛ ایشان می فرمایند اگر در واقع علی بن شیره شخص دیگری بود مناسب بود به تعدد معنون تذکر داده شود و همین عدم تذکر شاهد اتحاد این دوست.

نکتۀ مهم در اینجا این است که مرحوم شیخ که یکی را توثیق کرده و دیگری را تضعیف کرده این دو عنوان را دقیقا پشت سر هم آورده و این ظهور قابل توجهی در تعدد دارد.

در روایتی در کافی علی عن علی بن شیره واقع شده است که ظاهرا همان قاسانی بوده و علی بن ابراهیم کثیرا از وی با تعبیر علی بن محمد القاسانی روایت می کند که این نیز مؤید اتحاد این دوست.[[6]](#footnote-6)

خلاصه این که تشخیص اتحاد و تعدد این دو عنوان قدری دشوار است

علی بن محمد القاسانی در کلام مرحوم شیخ تضعیف شده ولی مرحوم نجاشی او را تضعیف نکرده و می گوید:

ابو الحسن كان فقيها، مكثرا من الحديث، فاضلا، غمز عليه أحمد بن محمد بن عيسى، و ذكر أنه سمع منه مذاهب منكرة.

آقای خوئی می فرماید[[7]](#footnote-7) بعید نیست تضعیف شیخ بر گرفته از مطلبی باشد که احمد بن محمد بن عیسی دارد (که نجاشی نقل می کند احمد بن محمد بن عیسی غمز علیه و او را صاحب مذاهب منکره می داند) و حاج آقا می فرمایند احمد بن محمد بن عیسی فتاوای شاذی را که بر خلاف متعارف بوده از علی بن محمد قاسانی شنیده بوده چون وجهۀ علی بن محمد القاسانی وجهۀ فقاهتی بوده و همانطور که مرحوم نحاشی می گوید او یک فقیه است و کتابهای او هم کتاب الصلاه و الجامع فی الفقه و ... بوده که کتب فقهی است لذا تعبیر مذاهب منکره ظاهرش مذاهب و فتاوای فقهی است؛ البته اگر شخصی فتاوای شاذی در فقه داشته باشد دلیل بر ضعف نیست لذا اگر اماره ای بر وثاقت یافت شد می توان او را توثیق کرد و عبارت احمد بن محمد بن عیسی دلیل بر ضعف نیست و این با صرف نظر از مبنای مختار ما در عدم اعتبار تضعیفات به دلیل ابتنای آنها بر جنبه های استنباط و متن شناسی است؛ البته حتی اگر هم توضیح حاج آقای والد در معنای این عبارت، درست نباشد به هر حال مذاهب منکره به یک معنا جنبۀ استنباطی دارد.

## دو راه برای توثیق علی بن محمد القاسانی

1. عدم استثنای ابن ولید.
2. اکثار روایت اجلاء.

یکی از امارات توثیق وی این است که از رجال نوادر بوده و محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری از وی زیاد روایت کرده است و ابن ولید او را استثنا نکرده است؛ مرحوم ابن ولید روایات کتاب او را بررسی کرده و یک سری از ورایات که به نظر نا صحیح بوده را جداکرده ولی با وجود روایات زیاد صاحب نوادر از وی او را استثنا نکرده است بنابراین بسیار بعید است که به نام وی برخورد نکرده باشد یا در استثنای او سهو کرده باشد.

دوستانی که در مرکز فقهی امام باقر علیه السلام فعال اند، بحث کلی در مورد عدم استثنای ابن ولید از رجال نوادر را از کلمات حاج آقای والد استخراج نموده و در یک مقاله جمع آوری کردند و ما نیز در جای خودش بدان پرداختیم.

البته یک بحثی در این زمینه وجود دارد که اگر محمد بن احمد بن یحیی تنها یکی دو روایت از یک شخص داشت و ابن ولید او را استثنا نکرده بود آیا می توان گفت عدم استثنا به معنای وثاقت اوست یا نه؟

از مجموع کلات حاج آقای والد استفاده می شود که گویا در این موارد نیز وثاقت را می پذیرند ولی به نظر می رسد احتمال اشتباه و سهو ابن ولید وجود داشته و ما عبارت صریحی نداریم که به معنای وثاقت افراد استثنا نشده باشد و صرفا قرار است از رفتار ابن ولید یک نحو توثیق عملی استفاده کنیم لذا باید مطمئن شویم که ابن ولید روایت کم این شخص را دیده و با این حال استثنا نکرده است.

بهر تقدیر در اینجا این اشکال مطرح نیست چون تعداد محمد بن احمد بن یحیی از علی بن محمد القاسانی زیاد است.

راه دوم برای توثیق علی بن محمد القاسانی اکثار روایت اجلاء است.

بزرگانی که از وی روایت کرده اند یکی سعد بن عبد الله است که به نقل مرحوم نجاشی کتاب علی بن محمد القاسانی را روایت کرده است ولی با جستجوی مختصری که انجام دادم ندیدم روایت صریحی از وی داشته باشد ولی افراد دیگری که صریحا در اسناد از وی روایت کرده اند عبارتند از علی بن ابراهیم است که بیشترین میزان روایت از او را دارد و همچنین محمد بن احمد بن یحیی و محمد بن الحسن الصفار؛ البته اشخاص دیگری نیز روایات کمی از وی نقل کرده اند از جمله محمد بن علی بن محبوب و ابراهیم بن هاشم که البته در صحت نقل ابراهیم بن هاشم تردید وجود دارد چون در یکجا علی بن ابراهیم عن ابیه و علی بن محمد القاسانی و در یکجا علی بن ابراهیم عن ابیه عن علی بن محمد القاسانی نقل شده است و به احتمال زیاد «عن علی بن محمد» در سند دوم «و علی بن محمد» بوده و تبدیل واو به عن طبیعی است چون همانطور که مرحوم صاحب معالم اشاره کردند متعارف اسناد به این صورت است که در هر طبقه یک راوی وجود دارد بنابراین در جایی که واو وجود دارد راوی انتظار دارد عن باشد و سهو نموده به جای واو عن می نویسد و این مصداق مهم ترین قانون در باب تصحیفات و تحریفات است که عبارتست از قانون تبدیل نا مأنوس به مأنوس؛ البته اظهار نظر قطعی متوقف بر این است که ببینیم علی بن محمد القاسانی از مشایخ ابراهیم بن هاشم هست یا نه.

به نظر می رسد این مجموعه برای توثیق علی بن محمد القاسانی کافیست و از سوی دیگر تضعیف مرحوم شیخ در رجال است که باید ناشی از مطلبی باشد که در رجال نجاشی در ترجمۀ علی بن محمد القاسانی از احمد بن محمد بن عیسی نقل شده است که علی بن محمد القاسانی را صاحب مذاهب منکره دانسته است ولی گفتیه شد که اولا معلوم نیست صاحب مذاهب منکره بودن دال بر ضعف باشد و ثانیا چنین تضعیفی از اموری حدسی و اجتهادی بوده و و فاقد اعتبار است.

## اضمار روایت علی بن محمد القاسانی

بحث دیگر این است که در این روایت از ضمیر استفاده شده است و مضمره است؛ حاج آقای والد می فرمایند مرجع ضمیر امام هادی علیه السلام است و غالب مکاتبات برای این امام است البته برخی او را اشتباها از اصحاب امام جواد علیه السلام دانسته اند با تکیه بر این که شیخ طوسی او را از اصحاب امام هادی علیه السلام دانسته است.

در تأیید فرمایش حاج آقای والد می توان گفت روایت دیگری در مورد صوم مغمی علیه با همین سند و تعبیر «کتبت الیه و انا بالمدینه» در **تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) ؛ ج‏4 ؛ ص243** نقل شده است و مشابه همین تعبیر در کافی ج5 314 وجود دارد که چند سند دارد که به علی بن محمد القاسانی دارد و تعبیرش این گونه است:

محمد بن جعفر أبو العباس الكوفي عن محمد بن عيسى بن عبيد و علي بن إبراهيم جميعا عن علي بن محمد القاساني قال: كتبت إليه يعني أبا الحسن الثالث ع و أنا بالمدينة سنة إحدى و ثلاثين و مائتين جعلت فداك رجل أمر رجلا يشتري له متاعا أو غير ذلك فاشتراه فسرق منه أو قطع عليه الطريق من مال من ذهب المتاع من مال الآمر أو من مال المأمور فكتب س من مال الآمر.[[8]](#footnote-8)

این روایت هم تاریخش که231 است که با تاریخ امام هادی علیه السلام منطبق است و هم ضمیر در آن توضیح داده شده یعنی ابالحسن الثالث که شهادت هر کدام از روات باشد می تواند حسی و معتبر باشد و علت این اضمارها این است که روایات مضمره، در واقع قطعات روایت کاملی هستند که در صدر آن روایت نام امام علیه السلام به عنوان مرجع ضمیر ذکر شده و در ادامه بجای ذکر دوبارۀ نام امام از ضمیر استفاده شده است و بعد از تقطیع این روایت در منابع متأخر، این قطعات به روایات مضمره تبدیل شده است.

ما بطور کلی اضمار را مانع قبول روایت نمی دانیم چون ظهور ذکر یک متن در کتب روایی ظهور در بازگشت ضمیر به معصوم دارد و این ظهور معتبر است.

مرحوم صدر نیز به همین بیان در ذیل یکی از روایات استصحاب روایات مضمر را قبول کردند و ما نیز به بیانات مفصلی در جای خودش به این بحث پرداختیم.

در نتیجه می توان سند این روایت را پذیرفت.

## دلالت روایت

عبارت حاج آقای والد در مورد دلالت این روایت این است:

به نظر ما این که این روایت بتواند بر مسأله اصولی دلالت داشته باشد تمام نیست عبارت الیقین لا یدخل فیه الشک در صدد بیان مساله فقهی است یعنی شک نمی تواند جایگزین یقین شود این روایت در صدد بیان این مساله فقهی است که در مام رمضان و در ماه شوال یقین معتبر است و نمی توان به شک اکتفاء نمود؛ در این روایت از حالت سابقه بحثی به میان نیامده است.

به نظر می رسد حاج اقا همان بیانی که مرحوم آخوند در کفایه مطرح کرده را دنبال کردند و مرحوم صدر این روایت را بحث می کنند و بیانی از مرحوم نائینی ذکر می کنند و مناقشاتی از مرحوم خوئی نقل می کنند و بیانی از مرحوم آخوند مطرح می کند و در مقام بیان مناقشات بر می آیند که در جلسۀ آینده در موردش صحبت می کنیم.

1. رجال النجاشي ؛ ص255 [↑](#footnote-ref-1)
2. رجال الطوسي ؛ ص388 [↑](#footnote-ref-2)
3. رجال الطوسي ؛ ص388. [↑](#footnote-ref-3)
4. رجال العلامة الحلي، ص: 232 [↑](#footnote-ref-4)
5. معجم‏رجال‏الحديث ج : 12 ص : 150 [↑](#footnote-ref-5)
6. **الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏3 ؛ ص209** [↑](#footnote-ref-6)
7. معجم‏رجال‏الحديث ج : 12 ص : 149 [↑](#footnote-ref-7)
8. الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏5 ؛ ص314 [↑](#footnote-ref-8)